

رابطه مهارت های ارتباطی و مهارت های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی

محمد علی نعمتی*
مجتبی کریمی پور**
حسین محمدی چمناری***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با مهارت‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشکده های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی بوده است. این پژوهش از نوع کاربردی و با روش توصیفی - همبستگی انجام شده است. جامعه آماری شامل ۶۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی بوده که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، تعداد ۳۶۰ دانشجو به طور برابر از دو دانشگاه مورد مطالعه به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، از دو ابزار استاندارد شامل پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بارتون جی ای (۱۹۹۰) و پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی الاین بیچ (۲۰۰۷) استفاده شده که روایی آنان از طریق بررسی دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه و پایایی این ابزارها با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۷۲ و ۰/۸۲ محاسبه شده است. در تحقیق پیش‌رو، از مجموع آزمون‌های آمار استنباطی، آزمون t برای گروه‌های مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. نتایج حاکی از آن است که بین میانگین‌های مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی، تفاوت معنادار وجود نداشته و علاوه بر آن بین مهارت‌های ارتباطی با مهارت‌های کارآفرینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های ارتباطی و ارتباط اثربخش.

مقدمه

ارتباط نیاز ذاتی هر انسان است و عامل رشد و توسعه فرد، سازمان و به طور کلی کشورها است و به نوعی عامل پیشرفت هر کشوری، در هر زمینه‌ای، داشتن دیپلماسی قوی است و هرکس باید به نوعی طریقه ارتباط برقرار کردن و نفوذ در دیگران را، چه از طریق کلامی، چه از طریق غیرکلامی، برای رسیدن به اهدافش، فرا بگیرد. ارتباط تعامل بین حداقل دو انسان است و حاصل آن پیامی است که فرستاده و دریافت می‌شود تا هدفی بر آورده شود (نامدار و همکارانش، ۱۳۸۸). توانایی برقراری ارتباط صحیح، یکی از مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی می‌باشد و اهمیت آن در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب‌نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیب‌های فردی و پیشرفت‌های بشری را در فرآیند ارتباط دانسته اند (چنت و همکارانش، ۲۰۰۲). افراد باید مهارت ارتباط برقرار کردن با هر شخص را دارا باشند و لازمه ارتباط مؤثر، آگاه بودن به هدف فرستنده پیام، محتوای پیام و کانال ارتباطی مؤثر است تا فرد بتواند بازخورد مناسب را بدهد؛ که اگر پیام به درستی فهم نشود و بازخورد داده نشود، بدین معنی است که ارتباط نیز برقرار نشده است. همه انسان‌ها در محیط کارشان از فرصت‌های یکسانی برخوردارند، اما تنها کسانی

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی

*** کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه خوارزمی

مسیر ترقی را به سرعت طی خواهند کرد که به «مهارت‌های ارتباطی» مجهز باشند؛ چنین افرادی، قدرت بیان خوبی دارند، خود را به درستی مطرح می‌کنند، در شرایط مختلف و با افراد مافوق، هم‌تراز و زیردست، ارتباطی مناسب و مؤثر برقرار می‌کنند. بعضی از افراد آن قدر مهارت‌های ارتباطی را خوب می‌دانند و به شیوه‌ای مؤثر به کار می‌گیرند که شخصیتشان همانند یک آهن‌ریا همه را به خود جذب می‌کند و به نوعی آنها با تأثیر گذاشتن بر دیگران و مطیع کردن دیگران، به اهداف خود می‌رسند.

کارآفرینی پیش برنده بسیاری از موفقیت‌های بشریت بوده و به احتمال زیاد تغییر تاریخ در قالب کارآفرینی ادامه می‌یابد (جعفری مقدم و فخارزاده، ۱۳۹۰). کارآفرینی از منابع مهم و پایان ناپذیر همه جوامع بشری است منبعی که به توانایی منابع انسانی هر سازمان برمی‌گردد؛ از یک سو، ارزان و از سوی دیگر، بسیار ارزشمند و پایان ناپذیر است و هر مدیری که بتواند فرهنگ مدیریت دانش را در سازمان خود نهادینه کند، به درستی از این منابع استفاده کرده است. قانون رسمی و مسئولیت‌پذیری می‌تواند به عنوان ابعاد مهم برای حمایت و شکل‌گیری کارآفرینی در هر کشوری باشد (جنینگز و همکارانش، ۲۰۱۲). امروزه همگان دریافته‌اند که جوامعی که به فکر متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی، در بلندمدت موفق‌تر و سرافرازتر بوده‌اند. منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم، علی‌رغم مزیت‌های آن، از جمله موانع توسعه یافتگی محسوب شده است، در صورتی که نبود این منابع در بعضی از کشورها باعث شده است تا آن‌ها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و یا در یک کلمه کارآفرینی، از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. خصوصاً عصر حاضر، عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات می‌باشد و توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد و در عصر تغییر و دگرگونی عامل رشد و پیشرفت سازمان‌ها و کشورها، داشتن سرمایه انسانی استراتژیک است تا با تغییر در الگوی سنتی تولید، و تغییر در وضعیت کسب و کار، سازمان‌ها را از رقیبانشان متمایز کنند و آنها را پیش بیندازند. به‌هر حال کارآفرینی در حال رواج یافتن است و طیف گسترده‌ای از عوامل مختلف در احیای علاقه‌مندی به کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک در اروپا و ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ نقش داشته‌اند.

ارتباطات ابزار کلیدی هر فعالیت کارآفرینانه است و کارآفرینی در انزوا و بدون حمایت نهادها، سازمان‌ها و انسان‌ها امکان‌پذیر نیست. کارآفرینی مستلزم کشف یک نیاز اجتماعی است، کشف نیازهای اجتماعی به شناخت اجتماع، نیازهای آن و زمینه اجتماعی و اقتصادی آن وابسته است (پاسبان رضوی، ۱۳۸۳)، که شناسایی این نیاز میسر نمی‌شود مگر اینکه افراد با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند. همچنین ما در جهانی زیست می‌کنیم که از سویی به عصر ارتباطات شهرت دارد و از سوی دیگر صحبت از دهه‌های طلایی کارآفرینی به میان می‌آید (هنکر و هیسریچ، ۲۰۰۲). در حقیقت، هدف کارآفرینی، یا دستیابی به نیاز اقتصادی است یا اینکه فرد براساس دغدغه‌های اجتماعی و به دلیل نابسامانی‌های اجتماع و نارضایتی از وضع موجود، سعی به ایجاد تغییر در وضع موجود را دارد، و به طور کلی هدف کارآفرینی، چه اقتصادی باشد، چه اجتماعی، یکی از ابزارهایی که یک فرد کارآفرین، برای دستیابی به اهدافش نیاز دارد، داشتن مهارت ارتباطی بالا است. در دنیای کنونی که رشد علم و فناوری جوامع را با چالش روبرو کرده و همچنین بیکاری روز افزون فارغ‌تحصیلان دانشگاهی، به خصوص در کشورهای جهان سوم، موجب نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شده است وجود اشخاص کارآفرین می‌تواند جوامع را در گذر موفقیت آمیز از این چالش‌ها یاری کند. همچنین عدم تناسب بین آموزش و آموخته‌های دانشجویان با نیازهای بازار

کار، و اینکه اکثریت قشر تحصیل کرده، فاقد مهارت لازم برای جذب در بازار کار و ایجاد فرصت‌های کسب و کار هستند، کسب مهارت لازم برای عضویت در بازار کار، نیاز جدی دانشجویان است. در این پژوهش سعی شده است تا رابطه مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی مورد بررسی قرار گیرد.

همه افراد، بخش عمده‌ای از زندگی خود را در ارتباط با دیگران سپری می‌کنند، و یا در فکر آنها به سر می‌برند و انسان موجودی اجتماعی است و بدون هم‌نوعان خود نمی‌تواند زندگی کند و همه افراد یک جامعه به نوعی به هم نیاز دارند و به هم وابسته اند. افراد از طریق کلامی یا غیر کلامی با هم ارتباط برقرار می‌کنند و ارتباطات مهمترین عامل توسعه و تعالی انسانی است. پس افراد باید توانایی و مهارت ارتباط خوب و مؤثر را داشته باشند تا بتوانند سخنان دیگران را رمزگشایی کنند و نیازهای خود را اعم از عاطفی، اقتصادی و غیره را برآورده سازند. افراد باید مهارت‌های ارتباطی داشته باشند؛ مهارت‌های ارتباطی یعنی اینکه هر شخص توانایی و طریقه برقراری ارتباط با عقاید و احساسات دیگران را دارا باشد. فرهنگی (۱۳۸۲)، معتقد است در واقع موفقیت یک فرد بستگی فراوانی به مهارت‌های ارتباطی دارد و اگر مهارت‌های ارتباطی بیشتر از توانایی فنی و عملی مورد نیاز نباشد، کمتر از آن نیست. مهارت‌های ارتباطی در این پژوهش با استفاده از سه ویژگی مهارت‌های ارتباطی بارتون جی . ای تعیین می‌گردد که عبارتند از: الف) مهارت‌های کلامی: یعنی مهارت در انتقال پیام به صورت کارآمد به دیگران به نوعی که شخص پیام را به‌درستی و مطابق با خواسته و هدف فرستنده پیام، رمز گشایی کند. ب) مهارت‌های شنود: هنر گوش دادن به دیگران یکی از ارکان مهم ارتباط بین انسان‌هاست. فرآیند کشف رمز، تعبیر و تفسیر پیام‌های کلامی را به طور فعال، شنود مؤثر می‌گویند (رضائیان، ۱۳۷۴). گوش دادن مؤثر کاری فعال است نه منفعل. در گوش دادن منفعل شخص مانند یک ضبط صوت عمل می‌کند و تنها به جذب اطلاعات داده شده می‌پردازد اما در گوش دادن فعال فرد باید کوشش کند تا به جای شنیدن آنچه که خود دوست دارد، از کلام گوینده بهره گیرد و منظور اصلی او را بفهمد (رایبیز، ۲۰۰۰). ج) مهارت‌های بازخورد: ارتباط فرآیندی دو جانبه است و هر شخص هنگامی که با دیگران ارتباط برقرار می‌کند باید مطمئن شود که طرف مقابل، منظورش را متوجه شده است یا خیر، و از طریق بازخوردی که از دیگران دریافت می‌کند از نتایج ارتباطش، که آیا ارتباطش مؤثر بوده یا نه، آگاه می‌شود.

کارآفرینی یک طیف وسیعی از فعالیت‌ها و فرآیندها از جمله نوآوری و خلق یک سازمان، خلق دیدگاه‌های جدید، اکتشاف فرصت‌ها و خطرپذیری را پوشش می‌دهد (ناسوشن، ۲۰۱۱). کارآفرینی در طی سال‌های گذشته به یک رفتار مطلوب اجتماعی تبدیل شده است، به طوری که امروزه هدف بسیاری از کشورها، برنامه ریزی برای توسعه آن به عنوان یک تغییر اجتماعی است و در عصر کنونی اگر سازمان‌ها دارای افراد کارآفرین نباشند، محکوم به شکست هستند. ترویج کارآفرینی به دو دلیل مسئله اصلی سیاست‌گذاران است: "تأثیر اقتصادی" و "ایده کارآفرینان به عنوان عاملان تغییر، رشد و نوآوری" (زالی و همکاران، ۱۳۸۶). از نقش کارآفرینی به عنوان موتور حرکت توسعه اقتصادی یاد می‌شود و آن را عامل اصلی ایجاد خلاقیت و نوآوری می‌دانند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۲). در عصر دهکده جهانی، اگر در سازمانی کارآفرینی نباشد و فقط تکیه بر داشته‌ها و اندوخته‌های قبلی باشد، آن سازمان به زودی از رده خارج می‌شود و جای خود را به سازمان‌های رقیب و کارآفرین می‌دهد و همچنین، افراد نیز برای افزایش امنیت روانی شغلی خود و برآورده کردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود، باید به مهارت‌های کارآفرینی

مجهد باشند. هر فرد برای کارآفرین شدن باید دارای مهارت‌هایی باشد که این مهارت‌ها عبارتند از: الف). مهارت شخصی : که در بردارنده‌ی مواردی از قبیل: کنترل و نظم درونی، ریسک‌پذیری، نوآوری، توانایی اداره‌ی تغییر، تغییرمحوری، پافشاری، مقاومت و پشتکار، و رهبری دوران‌دیشی دانست (هیگینز، ۲۰۰۳؛ نظری، ۱۳۸۲). ب). مهارت‌های مدیریتی: که عبارتند از: برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، تصمیم‌گیری روابط انسانی، بازاریابی، مهارت‌های مالی و حسابداری مدیریت، کنترل، مذاکره و مدیریت توسعه (هیسریچ و پیترز، ۲۰۰۵؛ پیرنیا، ۱۳۸۲؛ هگی، ۲۰۰۴). ج). مهارت‌های فنی: که عبارتند از: مهارت‌های نوشتاری، ارتباطات شفاهی یا ارتباطات کلامی، نظارت یا ارزیابی، محیط، مدیریت کسب و کار، فناوری، مهارت میان فردی، مهارت شنیداری، توانایی سازمان‌دهی، ایجاد شبکه‌های مدیریت (مدیریت مشارکتی)، مربی‌گری، بازیگر و ایفاکننده نقش در تیم یا مهارت‌های تیم‌سازی (مورینسن، ۲۰۰۰؛ کترو، ۱۹۷۷؛ ماگزین، ۲۰۰۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توانایی مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان، بهبود قابل توجهی در فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی دانشجویان و همچنین اعتماد به نفس آنها ایجاد می‌کند (توزنده‌جانی و همکاران، ۱۳۸۶) و یکی از متغیرهای مؤثر بر افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان و افزایش مهارت‌های کارآفرینی آنها است (نوگو، ۲۰۰۷؛ سوملی، ۲۰۱۰). دانشجویان باید بتوانند از توانایی‌ها و مهارت‌های خود در زمینه خلاقیت و کارآفرینی برای طراحی کسب و کار جدید استفاده نمایند. این از اهمیت زیادی برخوردار است که دانشجویان، توانایی ایجاد کسب و کارهای جدید و نوآوری را داشته باشند، و به نوعی کارآفرین باشند تا گرفتار مشکل بیکاری بعد از فارغ‌تحصیلی نشوند. اگر چه تمایل به کارآفرین شدن و موفقیت در آن به عوامل درونی و ویژگی‌های روانشناختی یک فرد بستگی دارد اما مراحل کارآفرینی و اجرای موفق یک ایده، ارتباط تنگاتنگی با عوامل و شرایط بیرونی و اجتماعی دارد و یک کارآفرین برای اینکه موفق باشد باید همه مهارت‌های مربوط به کارآفرینی را داشته باشد که یکی از این عوامل، داشتن مهارت ارتباطی و ارتباط با محیط پیرامون است تا بتواند ایده خود را عملی کند و به نوعی با جذب نظر افراد و برقراری ارتباط مؤثر، بتواند درآمدزایی کند و دیگران را به انجام کار مورد نظر خویش، وادار کند.

تحقیقات متعددی درباره مهارت آموزی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی و تأثیر آنها بر نوآوری و خلاقیت افراد انجام شده است که در این بخش به برخی از مهمترین موارد آن اشاره می‌شود. سلیمی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با هدف تعیین سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، به این نتیجه رسیدند که سال‌های سپری شده تحصیلی از عوامل مؤثر بر سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان است و تجربه آموزشی دانشجویان، عملکرد آنان را در برقراری ارتباط، بهبود می‌بخشد. نامی (۱۳۸۹)، در پژوهشی، کارآفرینی و تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر آن را مورد بررسی قرار داده است، که نتایج پژوهش نشان می‌دهد، فن آوری اطلاعات با افزایش سرعت، دقت، کاهش اندازه مخازن فیزیکی اطلاعات، ایجاد امکان همکاری از راه دور، رفع برخی از فسادهای اداری، کاهش هزینه‌های سیستم یا سازمان می‌تواند، در توسعه کارآفرینی مفید باشد. احمدزاده (۱۳۸۵)، در پژوهشی میزان توجه برنامه درسی و دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان را مورد بررسی قرار داده، که نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که، به طور کلی دروس تخصصی رشته علوم تربیتی و عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های شخصی، مدیریتی و فنی کارآفرینی توجه ندارند. عباس زادگان (۱۳۸۳)،

طی تحقیقی گزارش می‌دهد که شواهد تجربی نشان می‌دهند که سازمان‌های کارآفرین به طور معناداری با ایجاد اشتغال مرتبط هستند.

اگبه و همکارانش (۲۰۱۳)، در پژوهشی که روی یک نمونه ۴۰۰ نفری، در سه دانشگاه نیجریه، با هدف بررسی در دسترس بودن خدمات مشاوره حرفه‌ای، برای کسب مهارت‌های کارآفرینی به منظور جلوگیری از بیکاری فارغ-تحصیلان، انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که، بین مشاوره شغلی و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های نیجریه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. باسما و همکارانش (۲۰۱۱)، در پژوهشی که روی ۲۹۲ کارآفرین، در سه شهرستان هلند انجام دادند به این نتیجه رسیدند که، نقش مدل‌های کارآفرینی و عملکرد این مدل‌ها در کسانی که به‌تازگی کسب و کار خود را در حرفه خود شروع کردند، تأثیر زیادی بر موفقیت آنها در کارآفرین شدن دارد. تاپیو و آراین (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به بررسی مدیریت عوامل موفقیت در رویکرد رفتاری کارآفرینی پرداخته‌اند. رویکرد مورد مطالعه به منظور تجزیه و تحلیل شرایط واقعی زندگی، به منظور به‌دست آوردن بینشی در مورد شناخت کارآفرینی و اقدامات مربوط به عوامل موفقیت انتخاب شده است. یافته‌ها نشان داد که اکثر پاسخ‌دهندگان به عوامل مؤثر بر موفقیت مانند: برنامه‌ریزی، مدیریت ریسک، آموزش، شبکه، مدیریت منابع انسانی و مدیریت امور مالی اشاره کرده‌اند. در پژوهشی که بوب لاولیر و همکاران (۲۰۱۰)، در ارتباط با مهارت‌های ارتباطی مورد نیاز دانشجویان کارشناسی ارشد انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که، این مهارت‌ها به طور چشمگیری باعث افزایش اعتماد به نفس و ارتباط با دیگران و انعطاف‌پذیر شدن در آنان می‌گردد. در سال ۲۰۱۰ در تحقیقی که کارتر بر روی یک نمونه ۲۴ نفری از دامپزشکان در جنوب شرقی کوین‌لند و در خصوص تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی انجام داد، تأثیر مثبت آموزش‌ها را در بهبود سلامت روان دامپزشکان و رضایت‌مشتريان آنها ثابت نمود (مصطفی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). ون‌جلیستی (۲۰۰۴)، اعتقاد دارد که برقراری ارتباط به شیوه صحیح، به خصوص در روابط دوجانبه، اهمیت فراوانی دارد؛ به طوری که هر چه این ارتباط صحیح‌تر باشد، زوجین برای حل مشکلات و افزایش میزان صمیمیت و رضایت‌مندی از رابطه، بیشتر می‌کوشند. جانز و انگلیش (۲۰۰۴)، طی مطالعه‌ای در دانشگاه تاسمانیا دریافتند که با فرایند آموزش کارآفرینی و افزایش اعتماد به نفس و عزت‌نفس افراد می‌توان افراد را با توانمندی‌های خود برای بازشناسی فرصت‌های تجاری، آشنا کرد و دانش و مهارت آنان را برای کارآفرینی افزایش داد (به نقل از فرحبخش و همکاران، ۱۳۸۵).

روش

این پژوهش به دنبال آن بوده است تا رابطه مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی را، مورد بررسی قرار دهد. جامعه آماری شامل ۶۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی بوده که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، تعداد ۳۶۰ دانشجو به طور برابر، از دو دانشگاه مورد مطالعه، به عنوان نمونه‌آماری، مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌های این پژوهش، پرسشنامه‌های استاندارد مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی می‌باشد که پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی، نخستین بار بارتون جی ای در سال ۱۹۹۰ تدوین کرد و همچنین این پرسشنامه را در ایران

نخستین بار، افسانه عامری در سال ۱۳۹۰ روایی و پایایی آن را سنجید و این پرسشنامه دارای سه محور مهارت‌های کلامی، مهارت‌های شنود و مهارت‌های بازخورد می‌باشد که در این پژوهش، رابطه این محورها با مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان، مورد بررسی قرار گرفته است. پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی که الاین بیچ در سال ۲۰۰۷ تدوین کرد و شفیع آبادی در سال ۱۳۹۰ در ایران اعتبار سنجی کرد. همچنین روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است که روش آماری مورد استفاده در آن، آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و برای تفاوت دو گروه از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. در این پژوهش برای اعتبار سنجی روایی این پرسشنامه‌ها، از کتب و مقالات مرتبط استفاده شده است و با اساتید راهنما و مشاور و صاحب‌نظران علوم مدیریت و روانشناسی بحث و تبادل نظر، شده است. همچنین برای سنجش پایایی این پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که پایایی پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی ۰/۷۲ و پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی ۰/۸۲ برآورد شده است.

یافته‌ها

در راستای رسیدن به هدف پژوهش، در این پژوهش از آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد فراوانی استفاده شده است که براساس اطلاعات ارائه شده در بخش روش، تعداد دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی که در این پژوهش شرکت داشتند، ۱۸۰ نفر که این تعداد ۵۰ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهند و همچنین تعداد دانشجویان دانشگاه خوارزمی که در این پژوهش شرکت داشتند نیز ۱۸۰ نفر بودند که این تعداد نیز ۵۰ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهند.

در این پژوهش ابتدا تفاوت دیدگاه‌های دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، به این معنا که، بین میانگین‌های مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد، با استفاده از آزمون t دو گروه مستقل، مورد بررسی قرار گرفته، که نتایج حاصل از آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون t مستقل به منظور بررسی میانگین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان

متغیر	گروه به تفکیک محل تحصیل	میانگین	انحراف استاندارد	t مقدار	درجات آزادی	سطح معنی داری
مهارت‌های ارتباطی	دانشگاه علامه	۶۱.۹۷	۷.۴۱	۰.۳۳		
	دانشگاه خوارزمی	۶۱.۹۴	۸.۴۱	۰.۳۳	۳۵۸	۰.۲۴۳
مهارت‌های کارآفرینی	دانشگاه علامه	۸۰.۸۹	۸.۸۰	۰.۲۷۱		
	دانشگاه خوارزمی	۸۰.۶۳	۹.۱۰	۰.۲۷۱	۳۵۸	۰.۲۸۱

همچنانکه در جدول فوق ملاحظه می‌گردد به این علت که سطح معناداری به دست آمده مربوط به متغیر مهارت‌های ارتباطی، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این امر به

معنای عدم وجود تفاوت معنادار بین میانگین مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی می‌باشد. همچنین برای مقایسه میانگین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، با توجه به مقدار t و سطح معناداری به دست آمده، به این علت که سطح معناداری مربوط به متغیر مهارت‌های کارآفرینی بیشتر از سطح آلفای $0/05$ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این امر به معنای عدم وجود تفاوت معنادار بین میانگین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی می‌باشد.

همچنین به منظور مقایسه میانگین‌های مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم-تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی به تفکیک متغیرهای جنسیت، سن دانشجویان و مقطع تحصیلی آنها، مبنی بر اینکه، بین میانگین‌های مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان در هر دو دانشگاه، به تفکیک متغیرهای جنسیت، سن و مقطع تحصیلی دانشجویان، تفاوت معنادار وجود دارد، از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه به منظور بررسی میانگین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان

وضعیت	سطح معنی داری	مقدار F	میانگین		درجات آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییر	متغیر	
			مجموع مجذورات	مجموع مجذورات					
رد فرض صفر	.۰۴۳	۳.۹۶۸	۲۴۰.۵۴۲	۶۲.۱۷۳	۱	۲۴۰.۵۴۲	بین گروهی	جنسیت	مهارت‌های ارتباطی
			۳۵۸	۳۵۹	۳۵۸	۲۲۲۵۷.۸۳	درون گروهی		
علم رد فرض صفر	.۶۶	.۵۳	۳۳۵.۰۹	۶۲.۹۱۵	۳	۱۰۰.۵۲۸	بین گروهی	سن	
			۳۵۶	۳۵۹	۳۵۶	۲۲۳۹۷.۸۴	درون گروهی		
علم رد فرض صفر	.۹۷۹	.۰۲۲	۱.۳۵۶	۶۳.۰۱۳	۲	۲.۷۱۲	بین گروهی	مقطع تحصیلی	
			۳۵۷	۳۵۹	۳۵۷	۲۲۴۹۵.۶۶۳	درون گروهی		
علم رد فرض صفر	.۰۶۷	۳.۳۸۴	۲۶۹.۲۱۶	۷۹.۵۴۵	۱	۲۶۹.۲۱۶	بین گروهی	جنسیت	مهارت‌های کارآفرینی
			۳۵۸	۳۵۹	۳۵۸	۲۱۴۷۷.۱۸۴	درون گروهی		
علم رد فرض صفر	.۳۷۴	۱.۰۴۳	۸۳.۴۸	۸۰.۰۴۵	۳	۲۵۰.۴۶۳	بین گروهی	سن	
			۳۵۶	۳۵۹	۳۵۶	۲۱۴۹۵.۹۳۷	درون گروهی		
علم رد فرض صفر	.۳۰۳	۱.۱۹۷	۹۵.۷۰۴	۷۹.۹۸۶	۲	۱۹۱.۴۰۸	بین گروهی	مقطع تحصیلی	
			۳۵۷	۳۵۹	۳۵۷	۲۱۵۵۴.۹۹۲	درون گروهی		
							کل		

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده در متغیر جنسیت مربوط به میانگین مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیر جنسیت، کمتر از سطح آلفای $0/05$ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می‌شود و این بدین معناست که بین میانگین

مهارت‌های ارتباطی، به تفکیک جنسیت دانشجویان، تفاوت معنادار وجود دارد. برای آزمون میانگین مهارت‌های ارتباطی در متغیرهای سن دانشجویان و مقطع تحصیلی آنها با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیرهای مطرح شده، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این بدین معناست که بین میانگین مهارت‌های ارتباطی دانشجویان به تفکیک گروه‌های مختلف متغیرهای سن دانشجویان و مقطع تحصیلی دانشجویان در دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین به منظور مقایسه میانگین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی به تفکیک متغیرهای جنسیت، سن دانشجویان و مقطع تحصیلی آنها، مبنی بر اینکه، بین میانگین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان به تفکیک متغیرهای مطرح شده، تفاوت معنادار وجود دارد، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده است که با توجه به میزان F و سطوح معناداری به دست آمده، به این دلیل که میزان سطوح معناداری مربوط به آزمون متغیرهای مطرح شده، بیشتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد نمی‌شود و این بدین معناست که بین میانگین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی به تفکیک گروه‌های مختلف متغیرهای جنسیت، سن دانشجویان و مقطع تحصیلی آنها، تفاوت معنادار وجود ندارد.

به منظور تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی پژوهش، مبنی بر اینکه «بین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی رابطه معنی داری وجود دارد»، و همچنین فرضیه‌های جزئی اول و دوم پژوهش، مبنی بر اینکه «میان مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی رابطه معناداری وجود دارد» و «میان مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی رابطه معناداری وجود دارد»، و همچنین به منظور تجزیه و تحلیل محورهای پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی (مهارت-های کلامی، مهارت‌های شنود و مهارت‌های بازخورد) مبنی بر اینکه «بین این محورها و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی رابطه معناداری وجود دارد»، از آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج به دست آمده در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه میان مهارت‌های ارتباطی با مهارت‌های کارآفرینی

دانشجویان

گروه‌ها	متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	وضعیت
دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی	مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۳۴۱	۰.۰۰۳	رد فرض صفر
	مهارت‌های بازخورد و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۲۶۷	۰.۰۱۵	رد فرض صفر
	مهارت‌های کلامی و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۲۳۱	۰.۰۲۵	رد فرض صفر

مهارت‌های شنود و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۳	۰.۱۸۰	رد فرض صفر
مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۰۱	۰.۳۶۳	رد فرض صفر
مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی	۰.۰۰۵	۰.۳۲۳	رد فرض صفر

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول فوق، و باتوجه به میزان ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده، چون سطح معناداری کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می باشد، و ضریب همبستگی آن نیز مثبت می باشد، پس در نتیجه فرض صفر مربوط به فرضیه اصلی پژوهش رد می شود و چنین نتیجه گیری می شود که بین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های جزئی اول و دوم پژوهش، با توجه به اطلاعات به دست آمده، چون سطح معناداری کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می باشد، و ضریب همبستگی آنها نیز مثبت می باشد، پس در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می شود و چنین نتیجه گیری می شود که بین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه خوارزمی، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است، با این تفاوت که ضریب همبستگی مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی بالاتر است. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل محورهای پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های کلامی، مهارت‌های شنود و مهارت‌های بازخورد)، مبنی بر اینکه بین این محورها و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی رابطه معناداری وجود دارد، با توجه به اطلاعات به دست آمده، چون سطح معناداری آنها کمتر از سطح آلفای ۰/۰۵ می باشد، و ضریب همبستگی آنها نیز مثبت می باشد، پس در نتیجه فرض‌های صفر مربوط به این آزمون‌ها رد می شود، و چنین نتیجه گیری می شود که بین محورهای مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های کلامی، مهارت‌های شنود و مهارت‌های بازخورد) و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های علامه طباطبایی و خوارزمی، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است و با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده در جدول شماره ۳، چون ضریب همبستگی مهارت‌های بازخورد بیشتر از مهارت‌های شنود و کلامی می باشد و همچنین چون ضریب همبستگی مهارت‌های کلامی بیشتر از مهارت‌های شنود می باشد، پس برای بهبود مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی بهتر است به مهارت‌های بازخورد بیشتر از مهارت‌های کلامی و شنود توجه شود و همچنین علاوه بر این، به مهارت‌های کلامی نیز بیشتر از مهارت‌های شنود، توجه شود.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه عوامل مؤثر بر پیشرفت و عملکرد تحصیلی در درس ریاضی، طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است از آنجاکه اضطراب ریاضی، نگرش ریاضی، انگیزه پیشرفت از جمله ویژگی‌های فردی تأثیرگذار در امر یادگیری می باشد، این امر ایجاب می کند که مؤلفه‌های فردی مذکور در آموزش و

یادگیری ریاضی نیز مورد توجه قرار گیرد. لذا هدف از تحقیق حاضر رابطه بین اضطراب ریاضی، نگرش ریاضی بانگیزه پیشرفت در دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۲ است که طی سه فرضیه انجام شد.

فرضیه اول: بین اضطراب ریاضی دانشجویان رشته‌های فنی بانگیزه پیشرفت رابطه معنی‌دار وجود دارد. با توجه به جدول ۲ بین اضطراب ریاضی دانشجویان رشته‌های فنی بانگیزه پیشرفت رابطه معنی‌دار وجود دارد ($p < 0/0001$ و $R = -0/345$). به عبارت دیگر کسانی که اضطراب کمتری نسبت به ریاضی دارند از انگیزه پیشرفت بالاتری برخوردارند و در نتیجه عملکرد بهتری در درس ریاضی دارند و برعکس، لذا فرضیه اول تأیید شده است. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ اشکرافت و کریک (۲۰۰۱)، اشکرافت و همکاران (۲۰۰۷)، علم‌الهدایی و فرساد، (۲۰۰۹)، سانتراک (۲۰۰۳)، مصطفی بلاگو (۲۰۰۶)، جان و داوسون (۲۰۰۹)، رودارت - لونا و شری (۲۰۰۸)، علم‌الهدایی (۲۰۰۹). ما (۱۹۹۹)، جکسون و لفینگ ول، (۱۹۹۹)، اسلاوین (۲۰۰۶)، آکان زوشو، پنترچ و کورتین (۲۰۰۵)، یوسفی (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، نتایج پژوهش‌های متعدد نشان داده است که اضطراب ریاضی حافظه فعال فرد را به خود مشغول می‌کند و آن را برای یادگیری ریاضیات با مشکل روبرو می‌سازد زیرا هیجانات، افکار و عقاید منفی به این سیستم انتقال می‌یابد و بنابراین فرد نمی‌تواند آنچه را می‌داند، به خاطر بیاورد. همچنین پژوهش‌های انجام گرفته درباره اضطراب و عملکرد افراد گواه نیرومندی بر این واقعیت است که اضطراب و به‌طور کلی فشارهای روانی موجب کاهش رفتار مفید و مؤثر و نیز کاهش انگیزه پیشرفت برای تلاش در اشخاص در مقابله با واقعیت‌های گوناگون می‌شود، به‌ویژه هنگامی که تکالیف خواسته شده دارای گام‌های فکری بیشتری باشند. اصولاً "فرد مضطرب، کم انگیزه است و برای انجام تکالیف پیچیده‌تر ریاضی که نیازمند گام‌های فکری بیشتر می‌باشد از قابلیت‌های کمتری برخوردار است؛ زیرا بر اساس قانون پذیرفته شده "بهترین میزان انگیزه برای حل یک تکلیف، حد متوسط پیچیدگی در تکلیف است" یعنی پیچیدگی کم یا پیچیدگی زیاد با میزان انگیزه همبستگی منفی دارند، اما پیچیدگی در حد متوسط با میزان انگیزه همبستگی مثبت نشان می‌دهد از سوی دیگر افراد با اضطراب پایین دارای سطح بالایی از انگیزش پیشرفت هستند و برای رسیدن به موفقیت در حل مسئله، بسیار کوشا هستند. حتی پس از آن که در انجام حل تمرین و یا کاری شکست خوردند از آن دست نمی‌کشند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند. اگرچه بین تحقیقات یادشده درباره اضطراب ریاضی تعریف‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد اما همگی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر این موضوع تأکید دارند که اضطراب ریاضی به‌عنوان عاملی که بر انگیزه پیشرفت و رفتار ریاضی فراگیران تأثیرگذار است، امری مهم در آموزش ریاضی می‌باشد.

فرضیه دوم: بین نگرش ریاضی دانشجویان رشته‌های فنی بانگیزه پیشرفت رابطه معنی‌دار وجود دارد. با توجه به جدول ۲ بین نگرش ریاضی دانشجویان رشته‌های فنی بانگیزه پیشرفت رابطه معنی‌دار وجود دارد ($p < 0/0001$ و $R = 0/293$). بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ ساها (۲۰۰۷)، توماس (۲۰۰۶)، کیامنش و کبیری (۲۰۰۴)، یونس (۲۰۰۹)، کیامنش (۲۰۰۳)، برخورداری، جلال منش و محمودی (۱۳۸۸)، فلستکو و مک لگورر (۲۰۰۵)، کلاتتری (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، کسانی که نگرش مثبت‌تری نسبت به ریاضی دارند از انگیزه پیشرفت بالاتری برای حل مسائل ریاضی برخوردارند و در نتیجه عملکرد بهتری در درس ریاضی دارند، بنابراین اگر فراگیر خود را در درس ریاضی قوی و مثبت ارزیابی نماید و دیدگاه مثبتی نسبت به این درس داشته باشد، پایداری و استقامت وی در برابر حل مسائل و کسب موفقیت بیشتر خواهد شد، از سوی دیگر انگیزش تحصیلی باهدف‌های ویژه، نگرش‌ها و باورهای خاص، روش‌های نائل شدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است. به‌طورکلی، این نیرویی درونی سبب می‌شود که یادگیرنده به ارزیابی همه‌جانبه عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است سوق داده شود با این انگیزه افراد، تحرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت‌آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف، یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال می‌کنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب کنند بنابراین انگیزش، که مهمترین شرط یادگیری است باعث بالا بردن استقامت و سخت‌کوشی فراگیر در حل مسائل شده و در نتیجه فراگیر از عملکرد بهتری در درس ریاضی برخوردار خواهد شد.

فرضیه سوم: بین اضطراب ریاضی، نگرش ریاضی با انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر و پسر رشته‌های فنی رابطه چندگانه وجود دارد.

با توجه به جدول ۴ و ۵ بین اضطراب ریاضی، نگرش ریاضی با انگیزه پیشرفت دانشجویان دختر و پسر رشته‌های فنی رابطه چندگانه وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ ساها (۲۰۰۷)، توماس (۲۰۰۶)، کیامنش و کبیری (۲۰۰۴)، یونس (۲۰۰۹)، (۲۰۰۳)، برخوردار، جلال منش و محمودی (۱۳۸۸)، فلسکو و مک لگورر (۲۰۰۵)، کلانتری (۱۳۸۵)، اشکرافت و همکاران (۲۰۰۷)، علم‌الهدایی و فرساد، (۲۰۰۹)، سانتراک (۲۰۰۳)، مصطفی بلاگو (۲۰۰۶)، جان و داوسون (۲۰۰۹)، رودارت - لونا و شری (۲۰۰۸)، علم‌الهدایی (۲۰۰۹). ما (۱۹۹۹)، جکسون و لفینگ ول، (۱۹۹۹)، اسلاوین (۲۰۰۶)، آکان زوشو، پنترچ و کورتین (۲۰۰۵)، یوسفی (۱۳۸۷)، آنجلیکا (۲۰۰۲)، نعیمی (۱۳۸۳)، طالب پور، نوری و مولوی (۱۳۸۱)، همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، می‌توان گفت، کسانی که اضطراب کمتری در درس ریاضی دارند، نگرش مثبت‌تر و انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به درس ریاضی دارند و برعکس. همچنین نتایج پژوهش‌های متعدد نشان داده است که با افزایش نگرش به درس ریاضی از میزان اضطراب امتحان درس ریاضی کاسته می‌شود. بنابراین با افزایش احساس لذتمندی به درس، انگیزش به یادگیری درس و همچنین با کاهش احساس ترس و نگرانی از درس ریاضی، می‌توان شاهد عملکرد بهتری از فراگیران در درس ریاضی بود. احساس منفی به ریاضی و اضطراب از درس ریاضی در پیش‌بینی پیشرفت ریاضی نقش مهمی دارند. هرچه انگیزه فرد برای دانستن، آموختن و تحصیل بیشتر باشد، فعالیت و رنج و زحمت بیشتری برای رسیدن به هدف نهایی متحمل خواهد شد. وقتی فرد از انگیزه پیشرفت بالایی برخوردار باشد، به تکالیف درسی به‌خوبی توجه می‌کند، تکالیف درسی را جدی می‌گیرد و علاوه بر آن سعی می‌کند اطلاعاتی بیش از آنچه در کلاس درس به او می‌آموزند، یاد بگیرد. همچنین برای یادگیری، مهارت‌های لازم و راهکارهای مناسب را می‌یابد. بدیهی است که موفقیت در یادگیری نیز، سبب احساس توانمندی بیشتر و افزایش علاقه به موضوع یادگیری می‌شود از سوی دیگر طبیعت دانش ریاضی و امکان تحقق یادگیری غیر معنادار برای فراگیران، نگرش‌های غیرعلمی و تعلیم و تربیت در ریاضیات و اعمال فشارهای ناسازگار با

ظرفیت‌های عقلانی فراگیران، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سبک‌های یادگیری آنها و مشارکت‌های مؤثر در کار، چگونگی و نوع اقتدار علمی و اخلاقی و شخصیتی معلمان در ایجاد روابط متعادل و عدم اعتماد متقابل در کلاس درس ریاضی، هراس‌های ناشی از عدم توفیق در امتحان و انتظارات نا به‌جای والدین از فرزندان، در شمار عواملی هستند که می‌توانند موجبات بروز پدیده اضطراب ریاضی، نگرش پایین و در نتیجه انگیزه پیشرفت کم را در افراد فراهم آورند و احساس رضایت از فعالیت‌های ریاضی را به ناخرسندی و نفرت مبدل کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدزاده، نسرین (۱۳۸۵)، " بررسی میزان توجه برنامه‌دو درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ‌تحصیلان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهیدبهبشتی " تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی.
- ایزدی، احمد؛ فدایی، معصومه (۱۳۸۹)، " ضرورت سنجی آموزش و توسعه علمی مهارت‌های کارآفرینی در دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی و ارائه الگوی آموزشی مناسب " مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران. شماره چهارم، دور ششم.
- ایرانفر، ش (۱۳۷۹)، " وضعیت مهارت‌های ارتباطی استادان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه و نقش آن در ارزشیابی دانشجویان از آنان " مجله بهبود: انتشارات علوم پزشکی کرمانشاه. شماره ۲.
- احمدپور داریانی؛ محمود (۱۳۸۲)، کارآفرینی تعاریف، نظریات، الگوها، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیرنیا، احمد (۱۳۸۲)، مدیریت برنامه ریزی سیستم‌های استراتژیک، تهران: انتشارات ایزیران.
- پارسبان رضوی، مجید رضا (۱۳۸۳)، والدین ICT و تعلیم و تربیت، انتشارات نما (مجله الکترونیکی مرکز اسناد و مدارک علمی ایران).
- توزنده‌جانی، حسن؛ صدیقی، کاظم؛ نجات، حمید؛ کمال‌پور، نسرین (۱۳۸۶)، " اثربخشی آموزش‌های شناختی- رفتاری عزت‌نفس بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان "، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی.
- جعفری مقدم، سعید؛ فخارزاده، آرزو سادات (۱۳۹۰)، " توسعه ی نگرش کارآفرینانه در کتاب‌های درسی مطالعه موردی : کتاب‌های فارسی دوره دبستان "، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی. سال سوم، شماره یازدهم.
- رضائیان، علی (۱۳۷۴)، مدیریت رفتار سازمانی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. چاپ سوم.
- رابینز، استیفن پی (۲۰۰۰)؛ رفتار سازمانی (مفاهیم، نظریه‌ها، کاربردها)، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی (۱۳۷۸)، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زالی، محمد رضا؛ مدهوشی، مهرداد؛ کردنائیچ، اسدالله (۱۳۸۶)، " ارزیابی مشخصه های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران "، فصلنامه مدرس علوم انسانی. ویژه نامه مدیریت.
- سلیمی، محمد و همکاران (۱۳۹۱)، " ارزیابی مهارت‌های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران " مجله آموزش در علوم پزشکی.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۹۰)، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی، تهران: موسسه آزمون یار پویا.
- طاهری‌زاده، زینب؛ سلیمی، قربانعلی؛ صالحی‌زاده، سعید (۱۳۹۰)، " رابطه مهارت‌های ارتباطی اساتید دانشگاه با مهارت تدریس آنها از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی. سال پنجم، شماره ۲.
- عباس زادگان، سیدمحمد (۱۳۸۳)، کیفیت و کارآفرینی، مجله مدیریت. شماره ۹۰.
- عامری، افسانه (۱۳۹۰)، " بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی مدیران با سلامت سازمانی مدارس راهنمایی و متوسطه سبزوار " ساخت و اعتباریابی پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی، تهران: موسسه آزمون یار پویا.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۲)، ارتباطات سازمانی، انتشارات خدمات فرهنگی رسا.
- فرحبخش، کیومرث؛ عابدی، محمد رضا؛ صالحی نجف آبادی، رضوان (۱۳۸۵)، " بررسی تأثیر راهنمایی شغلی به شیوه فرآیند آمادگی حرفه‌ای و آموزش کارآفرینی بر افزایش رفتار کارایی زنان بیکار شهرکرد " فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن مشاوره ایران. شماره ۱۷.

- کرمی، ابوالفضل؛ بهرامی، فرامرزی؛ مقصودی، جعفر (۱۳۸۴)، هوش هیجانی حلقه گمشده کارآفرینی، فصلنامه رویش. سال سوم، شماره ۱۲.
- کمالیان، امین رضا؛ فاضل، امیر (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه هوش هیجانی و میزان کارآفرینی دانشجویان" فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال سوم، شماره ۱۱.
- مصطفی نژاد، پرستو؛ درتاج، فریبرز (۱۳۹۰)، "اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سلامت روان دانشجویان سال اول علوم بهزیستی دانشگاه کرمان" فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. شماره چهارم، سال اول.
- میرعرب، رضا (۱۳۸۶)، "بررسی ارائه برنامه درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی" فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال اول، شماره سوم.
- مقدم، رضا؛ مقیمی، سید محمد (۱۳۸۶)، "بررسی ارتباط بین ویژگی‌های رفتاری و سبک‌های ارتباطی در صنایع غذایی استان قم" فصلنامه فرهنگ مدیریت. سال پنجم، شماره ۱۶.
- نامدار، حسین و همکاران (۱۳۸۸)، "اثر مدل مهارت‌های آموزشی برای دانش آموزان در برقراری ارتباط با بیماران روانی" انتشارات ایران پزشکی.
- نامی، کلثوم (۱۳۸۹)، "کارآفرینی و تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- نظری، مریم (۱۳۸۲)، از صفر تا بی نهایت. انتشارات راه کارآفرینان. شماره ۲.
- هگی، جان ادموند (۲۰۰۴)؛ هفت راز ارتباطات مؤثر در کسب و کار، ترجمه حسن نصیری قیداری و حمیدرضا مرادخانی (۱۳۸۲)، انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- هیگینز، جیفرام (۲۰۰۳)؛ کارآفرینی، ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله. ترجمه محمود احمدپورداریانی (۱۳۸۱)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هیستریچ، رابرت دی. پیترز، مایکل پی (۲۰۰۵)؛ کارآفرینی، جلد اول؛ ترجمه سید علیرضا فیض بخش و حمیدرضا تقی یاری (۱۳۸۳)، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.
- Bosma .N, Hessels .J, Schutjens . V, Van Praag . M, Verheul. I (۲۰۱۱), "Entrepreneurship and Role Models", Journal of Economic Psychology: ۳۳ (۲۰۱۲) ۴۱۰-۴۲۴.
- Bob, L. Roisin. D (۲۰۱۰), "Using Podcasts to Support Communication Skills Development: A Case Study for Content format Preferences among Postgraduate Research Students Computers & Education", Volume ۵۴, Issue ۴, May, Pages ۹۶۲-۹۷۱
- Biech.E (۲۰۰۷), "the Business of Consulting", John Wiley and Sons Lnc, Second Edition.
- Certo ,S. Kenne.C (۱۹۹۷), Newgren, Interpersonal Skill Development: the Experiential Training Unit of the Training, Taylor pub, New York & London.
- Chant .S, Jenkinson T, Randle J, Russell. G (۲۰۰۲), "Communication Skills: Some Problems in Nursing Education and Practice", Journal of Business Venturing.
- Egbe.O, Enechojo .G, Igbo, H (۲۰۱۳), "Relationship between Counselling and Entrepreneurship Development Skills of Nigerian Final Year Undergraduates", Procedia - Social and Behavioral Sciences: ۸۴ (۲۰۱۳) ۱۲۰ - ۱۲۷.

- Gibb.A,Cotton.M (۱۹۹۸), “ the Enterprise and Education” , Underesting Enterprise Education and Its Links With Small Business Entrepreneurship and Wider Educational Goals. International Small Business Management Journal.
- Hills. G. E (۱۹۹۸),” Variations in University Entrepreneurship Education : an Empirical Study of an Evoving Field”, Journal of Business Venturing.
- Hisrich. R , Michael. p (۲۰۰۲), Entrepreneurship.Tata Mc Raw Graw-Hill Publishing Company Limited.
- Jennings .D, Greenwood .R,. Lounsbury . M , Suddaby. R (۲۰۱۲),” Institutions, Entrepreneurs, and Communities: A Special Issue on Entrepreneurship”, Journal of Business Venturin: ۲۸ (۲۰۱۲) ۱–۹g.
- Mehpare. S, Sumeli. H (۲۰۱۰),” Examination of Relationship between Persevice Science Teachers' Sense of Efficacy and Communication Skills”, Procedia Social and Behavioral Sciences. Magazine .S (۲۰۰۴). Just for Tennis Stars ?
- Morrison, J. L (۲۰۰۰), Environmental Scanning .www.Horizon-Uncedu/Courses/Papers/Enviroscan/Default.Asp. Last View:۱۴/۰۱/۲۰۱۴.
- Nwogu, S. A (۲۰۰۷), Language Barrier to Education. Journal of Teaching ۱۲.
- Nasution. H , Mavondo. F, Matanda. M, Jekanyika. N, Nelson .O (۲۰۱۱), "Entrepreneurship: Its Relationship with Market Orientation and Learning Orientation and as Antecedents to Innovation and Customer Value", Journal of Industrial Marketing Management, Vol. ۴۰
- Tipu. S , Arain, F. M (۲۰۱۱),” Managing Success Factors in Entrepreneurial Ventures: A Behavioral Approach”, International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research , ۱۷(۵), ۵۳۴-۵۶۰.
- Vangelisti. A.L (۲۰۰۴), “Coping with Disappointment in Marriage: When Partners Standards are Unmet”, New York: Cambridge University Press.